

## اخلاق کاربردی

حسن پوشنگر

عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

فلسفه جدید با فراهم کردن زمینه‌های ارزیابی انتقادی رفتار و نهادها مبحثی سنتی را از نو مطمح نظر قرار داده است. تحت عنوان «اخلاق کاربردی»، حوزه‌های متنوعی چون بهداشت، جنگ، تجارت و محیط زیست، از منظر نظریه‌های اخلاقی رقیب یا در چهارچوب یک نظریه اخلاقی خاص، مورد رسیدگی و مطالعه دقیق قرار گرفته است. این نوشتار که ترجمه مقاله *The Applied Ethics* نوشته جان هالدین (John Haldane) در *Nicholas Bunnin and E. P. Tsui-James Blackwell Companion To Philosophy* می‌باشد، ظهور اخلاق کاربردی در مقایسه با پیش‌زمینه‌های اخلاقی و فلسفه سیاسی توسعه در قرن بیستم را بررسی می‌نماید و هشدار می‌دهد که خطراتی در عوام‌پسندانه شدن جاری اخلاق کاربردی وجود دارد. ضمناً پیشینه اخلاق کاربردی را مورد ملاحظه قرار داده، تغییر و تحولات احتمالی آن در زمان آتی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: فلسفه اخلاق، اخلاق کاربردی.

xxx

## ۱. اخلاق کاربردی چیست؟

بهتر است کوشش خود برای فهم چستی اخلاق کاربردی، و چگونگی گسترش آن در بالغ بر بیست تا سی سال اخیر در فلسفه انگلیسی زبان را از طرح یک تمایز سه‌گانه یا سه‌سطحی بین اخلاقیات (*morality*) (فصل ۶)، نظریه اخلاقی (*moral theory*) (ص ۱۱-۲۰۹) و فرا-اخلاق (*meta-ethics*) (ص ۵-۲۲۲) شروع کنیم.

مورد نخست (= اخلاقیات)، شامل ادعاهایی فردی است درباره آنچه ارزش اخلاقی به شمار می‌رود، همچون «وفاداری» و «صداقت»، و یا آنچه درکل و در موقعیت‌هایی خاص باید انجام پذیرد یا از آن اجتناب شود، نظیر: «همیشه به افراد نیازمند واقعی کمک کنید» یا «هرگز خود را بیهوده به زحمت نیندازید.» گاه چنین ادعاهایی، شکل گروهی می‌یابد و یک نظام و بینش اخلاقی را به وجود می‌آورد. در چنین مواقعی است که می‌توان از یک اخلاقیات (*a morality*) یا از یک اخلاق (*an ethic*) سخن گفت - نظیر اخلاقیات مسیحی یا یک اخلاق بومی. اخلاقیات (*morality*)، به این معنا، مجموعه‌ای از ادعاهای اخلاقی است که همیشه مبین نوع خاصی از اهتمام یا التزام می‌باشد.

تقریباً به همین شیوه، البته نه به ضرورتی منطقی، اخلاقیات با یک یا چند اصل (*principle*) همراه است (ص ۶۰۱-۵۹۹) که با استناد به آن‌ها، می‌توان ادعاهای خاصی را توجیه کرد. این مسأله، ما را به دومین سطح از تمایزات سه‌گانه مذکور راه می‌برد؛ چرا که چنین اصولی هستند که در چهارچوب یک ساختار هماهنگ «نظریه‌ای اخلاقی» (*a moral theory*) را می‌سازند. تذکر دو نکته در اینجا مهم است:

۱. هر کس می‌تواند موجدِ دعاوی اخلاقی باشد و خیلی کلی‌تر، بدون داشتن یک نظریه اخلاقی، برای خود صاحب اخلاقیاتی باشد؛

۲. همان دعاوی اخلاقی و حتی همان اخلاقیات یا اخلاق با نظریه‌های متفاوت اخلاقی قابل انطباق می‌باشد؛ بنابراین، برای مثال، ممکن است کسی دروغگویی را نادرست بپندارد، بی‌آنکه تفسیری نظام‌مند در خصوص آنچه آن را نادرست جلوه می‌دهد داشته باشد؛ ضمن آنکه این ادعای اخلاقی، بر اساس نظریه‌های کاملاً متفاوت اخلاقی‌ای همچون مکتب نتیجه‌گرا (consequentialism)، علم فرایض اخلاقی یا تکلیف‌گرایی (deontology) و یا بر اساس شریعت الهی (divine law) قابل توجیه می‌باشد (ص ۲-۲۲۱)؛ برای مثال، دروغگویی ممکن است از اقتضای ناخوشنودسازی آن، از غلط بودن ذاتی آن و یا از تعارض آن با فرمان الهی نشأت یافته باشد.

سومین سطح از تمایز سه‌گانه، با دو سطح پیش‌گفته کاملاً تفاوت دارد؛ به حدی که با «درست» یا «نادرست» و «خوب» یا «بد» بودن یک چیز یا چرایی بد یا خوب بودن آن هیچ کاری ندارد، بلکه بیشتر به وضعیت منطقی ادعاهای اخلاقی و نظریه‌های اخلاقی توجه دارد. «فرا-اخلاق»، فلسفی‌ترین و انتزاعی‌ترین شکل تفکر درباره اخلاق است که به سؤالات متافیزیکی (فصل ۲) و معرفت‌شناختی‌ای (فصل ۱) از این قبیل می‌پردازد: آیا «ارزش‌ها» عینی (objective) هستند؟ و اگر چنین باشد، چه معنایی ممکن است داشته باشند؟ و آیا تفکر درباره آنها می‌تواند به دانش حقیقی منجر شود؟

گرچه هم‌اکنون بسیاری از کارها بر اساس توصیف «اخلاق کاربردی» پیش می‌رود، اما جنبه اصلی اخلاق کاربردی آن است که نظریه اخلاقی را به گونه‌ای

کم‌وبیش منظم در حوزه مسائل اخلاقی خاص به کار برد (یعنی به کارگیری سطح دوم تفکر اخلاقی در سطح اول آن، بر اساس تقسیم سه‌گانه قبلی). این مسایل، در ابتدا، موضوعات اساسی مربوط به مرگ و زندگی، نظیر سقط جنین، کشتن از روی ترحم (euthanasia)، خودکشی یا جنگ را شامل می‌شد؛ اما اخیراً در میان دانش‌آموزان کالج و دانشجویان، فلاسفه متبحر و نیز آنانی که فاقد تحصیلات عالی هستند، تمایل چشمگیری به پیگیری موضوعات اخلاقی شکل گرفته، که باعث شده است «اخلاق پزشکی» (medical ethics) در قالب موضوعاتی از قبیل سقط جنین و کشتن از روی ترحم گسترش یابد و نیز باعث شکل‌گیری رشته‌های جدید اخلاق کاربردی چون «اخلاق تجارت» (ethics business)، «اخلاق کامپیوتر» (computer ethics)، «اخلاق محیط زیستی» (environmental ethics) «اخلاق مربوط به جنسیت» (gedner ethics)، «اخلاق مطبوعاتی» (journalism ethics)، «اخلاق تولیدمثل» (reproductive ethics) و... شده است. در واقع، حوزه اخلاق کاربردی اینک به جایی رسیده است که کمتر فعالیت بشری را می‌توان یافت که هنوز تحت برخی از این شاخه‌های معروف اخلاق کاربردی مورد بررسی واقع نشده باشد. اما این که آیا رسیدن به چنین نقطه فراگیری، خوب است یا نه، خود سؤال مهم و جالبی است.

## ۲. ظهور اخلاق کاربردی

ظهور و گسترش این حوزه فلسفی، مدیون علل بسیاری است که صاحب‌نظران برای برخی از آن‌ها اعتبار بیشتری قائل هستند. واقعیت آن است که فلسفه اخلاق در نزد انگلیسی‌زبانان، در نیمه اول قرن بیستم، غالباً به شاخه فرا - اخلاق آن

منحصر می‌شد. موضوعات اصلی این فلسفه قدیمی، عبارت بود از این که: آیا ارزش‌ها (باید نبایدها) و شایدها، از ویژگی‌های جهان مادی‌اند، یا نه، بلکه صرفاً نتیجه رجحان و التزام بشری هستند؛ و یا آیا زبان اخلاقیات، توصیفی (descriptive) است یا اظهاری (expressive) و یا تجویزی (prescriptive). بحث از این سؤالات، این نوع از فلسفه را از تفکر بالفعل اخلاقی بسیار دور ساخته بود، گرچه بخشی از این مسأله به خاطر ماهیت خود این قضایا بود که از نگرش یا دیدگاه اخلاقی خاصی انتزاع می‌یافتند، به این دلیل نیز بود که زبان طرح این مسائل، یک زبان فنی فلسفی بود که از هیچ یک از واژگان اخلاقی آشنا بهره نبرده بود. گرچه مطالعه فرا-اخلاق، در طی این دوره، فلسفه تحلیلی بسیار مناسبی را پدید آورد، مسایل عملی اخلاق به هیچ وجه مورد بحث واقع نگردید و سطح میانی نظریه اخلاقی همچنان فراموش شده باقی ماند.

وقوع چنین رویدادی، امروزه ممکن است بسیار عجیب به نظر برسد؛ زیرا در همان محدوده زمانی، دو جنگ جهانی به وقوع پیوست؛ استبداد ایدئولوژیکی ظهور کرد؛ تلاش برای نسل کشی فزونی گرفت؛ و سلاح‌های کشتار جمعی تولید و به کار گرفته شد اما، گرچه این فلاسفه از پذیرفتن طرح چنین موضوعاتی به عنوان وظیفه حرفه‌ای خود، شانه خالی کردند، فشارها برای تفکر اخلاقی نظام‌مند درباره ارزش‌های بنیانی و مبنای رفتار افزایش یافت. در نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ م تحولی در نگرش‌ها و در عمل نمایان شد دانشجویان و دانشگاهیان ایالات متحده آمریکا، شاید مهمترین عامل اجتماعی ظهور اخلاق کاربردی بودند. مسائلی از قبیل حقوق مدنی، اخلاق جنسی، اخلاق جنگ و اخلاق حیات زیستی به موضوعات برجسته مباحث اجتماعی تبدیل شد و جامعه، به تدریج، به محافظه‌کاران و

تندروان، و مطلق‌گرایان و نسبی‌گرایان تقسیم شد. اگر دیدگاه‌های استثنایی را کنار بگذاریم، آنچه به وضوح آشکار شده بود و تا حدودی به یک رسوایی کشیده شد، این بود که معلوم شد فلسفه اخلاق حرفه‌ای درباره این موضوعات اخلاقی مهم، حرفی برای گفتن ندارد.

در آن اوایل، احتمالاً یک پاسخ حرفه‌ای می‌توانست چنین باشد: یک فیلسوف موظف نیست در خصوص اینکه یک فرد چگونه باید رفتار کند، نظر دهد، همانطور که یک شیمیدان موظف نیست که درباره کم یا زیاد بودن مقدار ترکیبی عناصر مرکب در جهان تصمیم بگیرد؛ بلکه در هر دو مورد، وظیفه حرفه‌ای، فهم ماهیت واقعیت است، نه تغییر آن.

اما این طرز پاسخ، قابل قبول به نظر نمی‌رسید. اولاً فلسفه از همان آغاز، هم باتعقل نظری و هم عملی سروکار داشته است. فلسفه، همان طور که درباره باور افراد - یا به عبارتی، درباره این که حقیقت چیست؟ - پرسش کرده است، به این که یک فرد چگونه باید در دنیا رفتار کند یا یک عملکرد خوب چه نوع عملکردی است، پاسخ داده است؛ ثانیاً، خود تحولاتی که در فرا - اخلاق رخ داد، موضع پرهیزگرایانه فلسفه را [مبنی بر خودداری از طرح مباحث مربوط به اخلاق کاربردی] آرام آرام تضعیف کرد. یکی از دلایل رایجی که گفته می‌شد: فلسفه اخلاق نمی‌تواند برای بهبود عمل [= رفتار] راه‌حل ارائه دهد، این بود که می‌گفتند: تا جایی که از سابقه تفکر نظام‌مند درباره اخلاق برمی‌آید، این امور در زمره نگرش‌ها یا التزامات ذهنی یا شخصی افراد هستند و درباره آنها هیچ استدلال عقلی نمی‌توان ارائه داد؛ و [نیز گفته می‌شد:] شاید هر کسی، با توجه به ارزش‌ها و دیدگاه‌های اخلاقی خاص یک فرد (مثلاً با نشان دادن ناسازگاری میان ارزش‌ها و

عمل او) انجام کار نامعقولی را به او نسبت دهد، اما هیچ کس نمی‌تواند ثابت کند که داشتن آن ارزش‌ها و دیدگاه‌ها، خلاف عقل است؛ زیرا آن‌ها صرفاً از ترجیحات ذهنی یا شخصی او نشأت می‌گیرند.

اما در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی، نهضت شخص‌گرایی فرا- اخلاقی (meta\_ethical subjectivism) در مقابل نظرات عینی‌گرایانه‌تر (objectivist views) به تدریج عقب‌نشینی کرد. در بریتانیا طبیعت‌گرایی اخلاقی (ethical naturalism) در قالب نظراتی احیا شد و توسط نویسندگانی چون الیزابت انسکب (Elizabeth Anscombe)، «فیلیپا فوت» (Phiipa Foot) و «پیتر گیچ»، (Peter Geach) پیشرفت نمود. آنان معتقد بودند که ادعاهای اخلاقی با سعادت بشر سروکار دارند و با ارجاع به این هنجار عینی [= طبیعت‌گرایی] می‌توان آن‌ها را تحت عنوان «درست» و «نادرست»، و «معقول» و «نامعقول» ارزیابی کرد. در همان حال، در ایالات متحده نیز سنت‌های قدیمی دیگری به تدریج احیا می‌شد، به خصوص اشکال معینی از عقل‌گرایی اخلاقی (ethical rationalism) که اذعان می‌داشت که به سؤالات مربوط به رفتار می‌توان با استناد به استانداردهای مربوط به قواعد معقول و کلی عمل پاسخ داد.

برخی از جالب‌ترین تحولاتی که در آمریکای شمالی رخ داد و جریان اخلاق کاربردی را چه در آنجا و چه در جاهای دیگر تحت تأثیر قرار داد، از فلسفه سیاسی نشأت گرفت (فصل ۸) و این تأثیر را، به نوبه خود، در برخی افق‌های بارز معرفت‌شناسی جدید نیز می‌توان ردیابی کرد؛ که نمونه‌های روشن و از جهت تاریخی مهم آن را در کتاب نظریه عدالت (A Theory of Justice) چاپ (۱۹۷۱) نوشته جان راولز (John Rawls) پیدا کرد. در آنجا او کوشش می‌کند

به وضوح اصول «عدالت» (ص ۶۵ - ۲۵۹) را روشن نماید، اصول عدالتی که ممکن است بن‌مایه نهادهای سیاسی و اعمال یک دولت لیبرال قرار گیرد. وی، برای رسیدن به این منظور، نظریه قرارداد اجتماعی را به گونه‌ای به کار می‌گیرد که ما را به ملاحظه وامی‌دارد که اگر در وضعیت فعلی خودمان به تبع پیشرفتهای اجتماعی نبودیم، چه اصولی را به طور عقلانی برای سامان‌بخشیدن به زندگی‌مان انتخاب می‌کردیم. وی، با این روش، شیوه‌ای عقلانی برای توجیه چنین اصولی ارائه می‌دهد. اما به هنگام اندیشیدن نظری درباره این که چه اصولی رفتار ما را راهنمایی می‌کنند، به زودی روشن می‌شود که ممکن است چنین عقلانیت‌هایی نتواند با تمایلات اخلاقی و قضاوت‌های ما در مرحله قبل از تأمل، کاملاً منطبق باشد. در این جا، ما با این مشکل روبرو هستیم که آیا در اصول تجدیدنظر کنیم یا شهودات اخلاقی خود را ترک نماییم. بحث راولز درباره این اصول، شامل ایده تعادل تأملی (the idea of reflective equilibrium) نیز می‌شود. بدین معنا که احتمالاً لازم است اصول کلی منظوی در نگرش‌های ما به وضعیت‌های واقعی یا فرضی، به هنگام مواجهه با قضاوت‌های متضاد درباره موارد خاصی از وضعیت‌های جدید و اغلب مشکوک، اصلاح گردد. به همین طریق، وقتی هم که یک اصل چنان جلوه کرده باشد که در موقعیتهای دیگر به خوبی تأیید شود، لازم خواهد بود که در قضاوت‌های شهودی خود درباره مورد مشکل‌ساز تجدیدنظر کنیم. نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که ما باید سعی کنیم هماهنگی و انسجام میان نگرش اخلاقی و اجتماعی‌مان را به حداکثر برسانیم و دستیابی به چنین «تعادلی»، نیاز معقولی است که می‌طلبد در خصوص مباحث و مسائل مربوط به رفتار و ارزش، به طور عقلانی تفکر و تأمل شود.



«درست» و «نادرست» این نوع معرفت‌شناسی اخلاقی هر چه باشد، این معرفت‌شناسی، به همراه احیای نظریه‌های اخلاقی عینی‌گرا، هم‌الگو و هم‌انگیزه‌ای برای اخلاق کاربردی فراهم آورده است. [ پس ] به طور کلی دو روش به کار گرفته شده است: نخست روشی است که هم‌اکنون توضیح داده شد - که عبارت است از استخراج برخی اصول از قضاوت‌های اخلاقی «پیش - نظری» (pre - theoretical) و گسترش دادن آنها به دیگر وضعیت‌ها، که حد‌نهایی آن را نیاز به ایجاد سازگاری و انسجام معلوم می‌کند؛ و روش دوم، به کارگیری مستقیم نظریه‌های اخلاقی جاافتاده‌ای (well-established) چون اصالت سود (utilitarianism) (فصل ۲۵) جهت تعیین خط‌مشی‌های کلی و حل مشکلات خاص می‌باشد. از دهه ۱۹۷۰ میلادی، به کارگیری این روش‌ها از سوی نویسندگانی چون ریچارد هیر (Richard Hare)، آنتونی کنی (Antony Kenny)، توماس ناگل (Thomas Nagel)، پیتیر سینگر (Peter Singer)، مری وارنوک (Mary Warnock) و برنارد ویلیامز (Bernard Williams) آثار جالب توجهی را در حوزه مسایل اخلاقی و اجتماعی پدید آورد که همانند تحقیقات معاصر در عرصه‌های نظری‌تر فلسفه به حیات خود ادامه خواهد داد.

البته پیش از این گفتم که تمام جنبه‌های رشد در اخلاق کاربردی قابل تایید نیست. منظور من، شتاب ناشایسته برخی فلاسفه و دست‌اندرکاران پیرامون این موضوع برای جازدن خود به عنوان بخشی از حوزه رو به رشد و موفق فعالیت دانشگاهی بود. مسأله صرفاً محکوم کردن فرصت‌طلبی نیست، بلکه وقتی آثاری با کیفیت پایین ارائه می‌شود، نفس فعالیت‌ها با خطر بی‌اعتباری روبرو می‌شود و به موجب آن ممکن است فرصت مجدد فلسفه عملی جهت مطرح کردن مجدد خود

به عنوان جنبه اصلی مطالعات جدی، از دست برود؛ زیرا فلاسفه دیگر وقتی با آثاری روبرو شوند که از نظر آنان کم عمق جلوه کند، مخالفت می ورزند و طرفداران عمومی اخلاق عملی، از چنین آثاری احساس نارضایتی می کنند.

### خطر معنوی اخلاق کاربردی

این احتمال که هم اکنون از آن یاد شد نیز نگرانی اخلاقی ای ایجاد می کند نظیر آنچه بخشی از عامل تحریک سقراط علیه سوفیست‌هایی بود که عرضه کنندگان خرد اخلاقی و سیاسی در دولت - شهرهای یونان قرن پنجم قبل از میلاد بودند. کاربرد عملی فلسفه اخلاق، برخلاف تلقی غالب که حتی گاه از کسانی که انتظار فهم بیشتری در این مسائل از آنان می رود نیز شنیده می شود، چندان آسان تر از دیگر عرصه‌ها نیست؛ برخلاف فلسفه زبان که آغازین نقاط شروع کار خود را از سخنان پیش پا افتاده ای می داند که از تجربه برخوردار از پشتوانه فکری برمی آیند؛ به عنوان مثال، سؤال درباره «راست گویی» اغلب مستلزم دشواری‌هایی [برای پاسخ دهنده] است، اما کوشش جهت ساختن براهین رضایت بخش درباره چنین موضوعاتی، مستلزم دشواری‌هایی سخت و عمیق است و نتیجتاً خطا و سردرگمی در این کار بسیار زیاد می باشد.

پیشنهاد سوفیست‌ها و برخی اخلاق کاربردی‌های معاصر که می گویند به کارگیری مهارت‌هایی کم و بیش مکانیکی و قالبی وجود دارد که می توان از آن‌ها به عنوان پاسخ برای سؤالات اخلاقی استفاده کرد، نه تنها ضربه ای به فلسفه است بلکه تأثیری مفسده برانگیز بر وجدانهای کسانی دارد که مدعی

کمک به فلسفه هستند؛ به علاوه، همان طور که سقراط (فصل ۱۵) دریافته بود، وقتی مغالطه‌کاری شایع شود، عکس‌العمل مردم، تلاش جهت تدبیر بهتر نخواهد بود بلکه آنان نتیجه خواهند گرفت که در مباحث مربوط به ارزش و رفتار، تعقل درست میسر نیست و در عوض، آن‌ها را بسته به ترجیحات شخصی فرض خواهند کرد. خصوصاً طنز بسیار وحشتناک و مسخره‌ای خواهد بود اگر ظهور و بالندگی اخیر اخلاق کاربردی در زمان مناسب خود، به گسترش نامعقول‌گرایی اخلاقی (*moral irrationalism*) منجر شود.

### ۳. سابقه‌ای فراموش شده

گرچه «اخلاق کاربردی» یک اصطلاح جدید است، حقیقت آن است که اخلاق کاربردی در کل هیچ چیز جدیدی ندارد؛ با وجود آنکه حقیقتاً در دوره‌هایی چون نیمه اول قرن بیستم، فلاسفه صرفاً به مباحث نظری توجه داشتند. پیش از این اشاره کردم که از روزگار باستان، اهمیت فلسفه عملی نیز همچون فلسفه نظری کاملاً شناخته شده بود. بنابراین باید گفت که تفکر درباره مسائل عملی در پرتو اصول کلی، یعنی در پرتو اصول مربوط به «مواعظ اخلاقی» (*moral casuistry*) از یک سنت طولانی و گسترده‌ای برخوردار بوده (و کماکان هست).

همین جا لازم به ذکر است که از اصطلاح «مواعظ اخلاقی» امروزه غالباً جهت محکوم کردن یک مطلب فکری، که تلاش می‌کند خود را حق به جانب جلوه دهد و یا دوپهلویی یا تزویر پیشه کند استفاده می‌شود. جالب است که این استعمال منتقدانه از سوء استفاده از استدلال عملی شبیه سوء استفاده‌هایی است که به سوفیست‌ها نسبت داده می‌شد، نشأت گرفته است. برای مثال، به استهزای پاسکال

(۱۶۲۳-۱۶۶۲) (ص ۶ - ۴۷۵) از مواعظ اخلاقی یسوعی در نامه‌هایی از ولایت (Provincial Letters) چاپ (۱۹۶۷) مراجعه کنید.

به هر حال سنت صحیح و معتبر، از تلاش خالصانه در به کارگیری ضوابط دقیق استدلال انتقادی به منظور حل مسایل مربوط به رفتار نشأت می‌گیرد. به لحاظ تاریخی این سنت اصیل از طریق الهیات اخلاقی (moral theology) بود که رشد و توسعه یافت؛ یعنی زمانی که مسیحیان سعی داشتند معانی و مفاهیم ضمنی (= تفسیر)یِ نصوص متون مقدس و تعالیم آبا(=پدران)یِ اولیهٔ مسیحی را استخراج کنند. در قرون وسطی نویسندگانی چون «توماس آکویناس» (۱۲۲۵ - ۱۲۷۴) (ص ۵۰۵) نظریه‌های کاملاً غامضی از دلیل اخلاقی را پرورش دادند که در آن عناصر مختلف قضاوت‌های اخلاقی (conscientia synderesis)، با تفسیری از استدلال درست (recta ratio) پیوند می‌یافت. این سنت، از نهضت «اصلاح» دینی مسیحیت جان سالم به در برد و به وسیلهٔ مؤلفان کاتولیک و پروتستان، نظیر فرانسیسکو سوارز (Francisco Suarez) (۱۵۴۸-۱۶۱۷) و هوگو گروتوس (Hugo Grotius) (۱۵۸۳-۱۶۴۵) و بعدها توسط امانوئل کانت (manuel Kant) (۱۷۲۴-۱۸۰۴) (فصل ۲۲) و جرمی بنتام (Jeremy Bentham) (۱۷۴۷-۱۸۳۲) (فصل ۲۵) توسعهٔ بیشتری یافت.

واعظان مدرسی (scholastic) (ص ۶ - ۵۰۳) هم به اشکال و قالب (forms) تعقل اخلاقی توجه داشتند و هم به حل معضلات عمدهٔ موجود در عرصه‌های خاص فعالیت بشری از قبیل مسائل جنسی، امور اقتصادی و رفتار جنگ علاقمند بودند. در نوشته‌های این نویسندگان دربارهٔ قالب و محتوای اخلاق، نکته‌هایی هست که هنوز ارزش غور و بررسی را دارد.

بر اساس ارزیابی‌ای که امروزه از اخلاق کاربردی به عمل می‌آید، یکی از جنبه‌های این گونه آثار، شیوه‌ای است که این واعظان از طریق آن معضلات اخلاقی و نظریه اخلاقی را به یکدیگر مرتبط می‌سازد.

آنچه امروزه تحت عناوین «اخلاق کاربردی» و «فلسفه کاربردی» تبیین می‌شود، فرآیندی دومرحله‌ای را پیشنهاد می‌کند؛ بدین معنا که انسان، ابتدا اصولی فلسفی و کلی به دست می‌آورد و سپس آنها را در مورد خاصی به کار می‌گیرد؛ و لذا در مرحله دوم، دیگر به تفلسف نیازی نیست؛ بلکه این مرحله خودبه‌خود به صورت یک جریان مکانیکی یا برنامه‌ریزی‌شده مدون (algorithmic) پیش خواهد رفت. اما از نظر موعظه‌گران دوره جدید و قرون وسطی، برعکس، نحوه برخورد با موارد خاص، خود نوعی تمرین تعقل اخلاقی است که ارزش آن، از تلاش برای کشف اصول کلی کمتر نیست. در واقع، به «دو» وظیفه جداگانه نیازی نیست؛ بلکه تعیین امر کلی و جزئی - هر دو - ممکن است وجوه یک فرایند پیچیده واحد باشند که از برخی جهات به روش راولزی (Rawlsian methodology) در خصوص نحوه دستیابی به یک وضعیت «تعاقد تأملی» شباهت دارد.

نشانه‌ای دیگر از تفاوت حل مذهبی مسایل اخلاقی یا فلسفه اخلاق عملی با اخلاق کاربردی در این واقعیت آشکار می‌شود که هر جا نویسندگان معاصر معمولاً فرض می‌کنند که هیچ ارزش اخلاقی‌ای تحت عنوان خاص (specific topic) وجود ندارد و هر چه هست اصول کلی عام (topic - indifferent) هستند، موعظه‌گران دوره جدید و قرون وسطی سعی دارند ارزشها و فضایی را معرفی کنند که هرکدام به بخش‌های مختلف و خاصی از زندگی مربوط می‌باشد؛ و لذا، به عنوان مثال، پاکدامنی مصداق متمایزی برای فضیلت جنسی به شمار

می‌آید و نه مصداقی برای ارزشهای دیگری چون احتیاط یا دوران‌دیشی. همین‌طور، حرمت رباخواری در دوران قرون وسطی نیز از تأمل درباره ارزشهای متضمن در اشکال متمایز روابط اجتماعی ناشی شد. با این همه، می‌توان گفت مهمترین حوزه فعالیت تفکر حل موعظه‌وار مذهبی مشکلات اخلاقی، با خشونت‌های گسترده در ارتباط بود، که تنظیم دکترین «عدالت جنگ» را با ارزشهای اخلاقی خاص متعددی چون «مصونیت غیرجنگی» (non-combatant immunity) در پی داشت.

#### ۴. آینده موضوع

بنابراین ممکن است بهتر باشد که فلاسفه اخلاق معاصر که متوجه عمل هستند، به جای تفکر در چهارچوب اصطلاحات کم‌وبیش محدودکننده «اخلاق کاربردی» - کماآنکه اکنون به همین صورت است - برخی روش‌های موعظه‌گری و فلسفه عملی را به کار بگیرند. بدون تردید نیاز و فرصت برای تحقیق فلسفی در خصوص شیوه فکرکردن درباره عمل وجود دارد - که از آن با عبارت «نیاز به یک تبیین فرا-فلسفی (meta - philosophical) از تعقل اخلاقی» سخن می‌رود.

چنین تحقیقی اگر بنا باشد که در راستای خط‌مشی‌های مذکور روش‌های پیشین تفکر به فهم مجددی از اخلاق هنجاری (normative ethics) دست یابد، بدون شک باید برای توسعه خود در آینده اقداماتی انجام دهد. نظر به وضعیت فعلی، شکی نیست که نشریات، رشته‌های دانشگاهی و مؤسسات آموزش عالی، دوره‌های آموزش حرفه‌ای حین خدمت، و دیگر اشکال فعالیت‌هایی که به جنبه

فلسفی مسائل اخلاقی و اجتماعی توجه دارند، کم‌وبیش با آهنگ رشد کنونی خود تا پایان این قرن [ =قرن بیستم ] ادامه خواهد یافت.

پیش‌بینی قطعی وقوع توسعه‌ای فراتر از این ممکن نیست، اما این احتمال هست که اخلاق‌کاربردی‌ها در جستجوی حوزه‌های جدید عمل باشند. بیشترین میزان این جستجو، در حوزه‌های موجود زندگی خواهد بود که تاکنون فلاسفه اخلاق دانشگاهی آن‌ها را موضوع تحقیق خود قرار نداده‌اند. البته این تحقیقات نیز به تازهای بزرگتری راه خواهند برد؛ چراکه تکنولوژی، محدوده‌های امکان را گسترش داده و به تبع آن الگوهای رفتار را تغییر می‌دهد و همچون دیگر عوامل، تکنولوژی نیز با ساختار روابط شخصی و اجتماعی در ارتباط است. تا کنون شاهد بوده‌ایم که چطور توسعه تکنولوژی «جمع‌آوری داده»های الکترونیکی و «ثبت داده‌ها» مایه نگرانی فزاینده‌ای درباره مسائل زندگی خصوصی شده است، و یا تکنولوژی تولید مثل، نگرانی‌هایی را درباره محدودیت‌های مناسب کنترل زاد و ولد به وجود آورده است. بدون شک، همین الآن، کسی مشغول نوشتن کتابی درباره اخلاق تکنولوژی «واقعیت مجازی» (virtual reality) [در کامپیوتر] است و تا قبل از پایان دهه، نوشته‌های دیگری در خصوص ابعاد اخلاقی تکنولوژی‌هایی که تاکنون ناشناخته باقی مانده‌اند و یا حتی شاید هنوز اختراع نشده‌اند، عرضه خواهند شد.

همپای گسترش این تمایلات، نشریات و سایر خدمات مربوطه نیز رشد و گسترش خواهند یافت. سی سال پیش هیچ مجله فلسفی که به طور مقدماتی یا حتی به طور وسیع به مسائل اخلاقی و اجتماعی تجویزی دم‌دستی ( - first order) پردازد وجود نداشت. امروزه، چنین نشریات و مجله‌هایی فراوان‌اند و

هر سال بر تعداد آنها افزوده می‌شود- که آنچه در حال حاضر موجود می‌باشد، بدین قرار است:

ارزشهای بشری و کشاورزی (*Agriculture & Human Values*)، اخلاق حیات (*Bioethics*)، اخلاق تجارت (*Business Ethics*)، مجله اخلاق حرفه و تجارت (*Business and professional ethics journal*)، اخلاق عدالت جنایی (*Criminal Justice Ethics*)، اخلاق محیط زیست (*Environment Ethics*)، ارزشهای محیطی (*Environment Values*)، اخلاق و حیوانات (*Ethics & Animals*)، اخلاق و علم طب (*Ethics & Medicine*)، مجله بین‌المللی فلسفه کاربردی (*International Journal of Applied Philosophy*)، مجله بین‌المللی مطالعات اجتماعی و اخلاقی (*International Journal of Moral and Social Studies*)، بازنگری بین‌المللی علم اخلاق و اقتصاد (*International Review of Economics and Ethics*)، مجله اخلاق کشاورزی (*Journal of Agricultural and Ethics*)، مجله فلسفه کاربردی (*Journal of Applied Philosophy*)، مجله اخلاق تجارت (*Journal of business Ethics*)، مجله اخلاق محیط زیستی (*Journal of Environmental Ethics*)، مجله اخلاق پزشکی (*Journal of Medical Ethics*)، مجله طب و فلسفه (*Journal of Medicine and Philosophy*)، مجله اخلاق مذهبی (*Journal of Religious Ethics*)، مجله فلسفه اجتماعی (*Journal of Social Philosophy and Pubic Affairs*)، فلسفه و مسائل عمومی (*Philosophy and Technology*)، فصلنامه مسائل



عمومی (*Public Affairs Quarterly*)، فلسفه اجتماعی، سیاست، نظریه اجتماعی و عمل (*Social Philosophy and Policy Social Theory and Practice*)

موضوع، هر قدر هم گسترش یابد، مجله برای پوشش دادن آن کم نخواهد بود - و این طبیعت تخصص‌گرایی آکادمیک است که در هر زمینه‌ای، اعم از خوب یا بد، چنین است.

#### برخی منابع برای مطالعه بیشتر

هیر (Hare, ۱۹۸۱): گزارشی نو و با بیانی رسا از نظریه «تجویزگرایانه»ی خود مولف درباره اخلاق است که در سطوح مختلف تفکر درباره مسائل اخلاقی پیشرفت داشته است.

کنی (Kenny, ۱۹۸۵): مجموعه مقالاتی است که مقالات آن از استدلال‌های روشن و همخوانی خوبی برخوردارند. هسته اصلی مقالات را توجه به اخلاق جنگ و بازدارندگی اتمی تشکیل می‌دهد.

ناگل (Nagel, ۱۹۷۹): این کتاب مجموعه مقالاتی است که در آن‌ها به شیوه‌ای ظریف بحث شده و بیشتر آنها توسعه طرق تکلیف‌گرایانه (deontological) ی تفکر درباره مسائل اخلاقی مختلف است.

سینگر (Singer, ۱۹۷۹): گزارشی است روشن و مستقیم از نظریه فایده‌نگر (utilitarian theory) و کاربرد این نظریه در پاره‌ای مباحث مربوط به مرگ و زندگی می‌باشد. این کتاب، جذابیت‌ها و مشکلات مکتب نتیجه‌گرا (consequentialism) را به خوبی به نمایش می‌گذارد.

وارنوک ( Warnock, ۱۹۹۲ ): گزیده‌ای از نوشته‌های فیلسوفی است که در زندگی عمومی کشور انگلستان نقش برجسته‌ای دارد. مطالب این نوشته‌ها، امکانات و محدودیتهای فلسفه در برخورد با مسائل عملی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

ویلیامز ( Williams, ۱۹۸۱ ): مجموعه‌ای از مقالات تأثیرگذار یکی دیگر از فلاسفه مهم و مشهور که ایده اهمیت شخصیت فرد در مسائل مربوط به اخلاق را ترویج می‌کند.

### سؤالاتی درباره اخلاق کاربردی

۱. آیا همه عرصه‌های فعالیت بشری باید موضوع مطالعه شاخه‌ای از اخلاق کاربردی قرار گیرد؟
۲. تا چه اندازه لازم است که مسائل مهم مطرح در فلسفه اخلاق، با تفکر اخلاقی موجود و با مجموعه واژگان اخلاقی رایج نزدیکی داشته باشد؟
۳. از کجا بدانیم که آیا بحث از موضوعاتی نظیر استبداد (totalitarianism)، جنگ، حقوق مدنی و اخلاق جنسی، وظیفه حرفه‌ای فلاسفه اخلاق است؟
۴. آیا اگر درباره سلامت انسان چیزهایی بدانیم و یا به قوانین معقول جهانی توجهی داشته باشیم، پایه و اساس مناسبی برای ارزیابی واقع‌بینانه رفتار و نهادهای اجتماعی در اختیار ما خواهد گذاشت؟
۵. ما چگونه می‌توانیم معین کنیم که آیا روش‌های صحیحی در اخلاق کاربردی وجود دارد؟

۶. آیا مباحث اخلاق کاربردی موضع نظریه‌های اخلاقی جاافتاده‌ای چون اصالت سود (utilitarianism) یا اخلاق کانتی را تقویت می‌کند یا آن‌ها را با چالش مواجه خواهد کرد.
۷. آیا اخلاق کاربردی وجدان‌های ما را فاسد نمی‌سازد؟ چگونه می‌توان از این خطر در امان بود؟
۸. چگونه فلسفه عملی باید تفکر درباره اصول کلی را با اندیشیدن به موارد خاص پیوند دهد؟ نتایج پاسخ شما برای امکان اخلاق کاربردی چیست؟
۹. آیا هرکدام از بخش‌های مختلف زندگی، ارزش‌های خاص خود را دارند؟ چگونه ما باید اخلاق کاربردی را در پرتو پاسخ شما بفهمیم؟
۱۰. چگونه می‌توان از تعقل اخلاقی گزارشی فرا - فلسفی ارائه داد که به ما کمک کند از بین «اخلاق کاربردی» و «موعظه‌گری» یکی را به عنوان شکل اصلی فلسفه اخلاق عملی انتخاب کنیم؟
۱۱. اخلاق کاربردی چه حوزه‌های جدیدی را می‌تواند برای فعالیت خود بیابد؟

### سؤالاتی در اخلاق کاربردی

۱۲. جنگ‌های عادلانه با جنگ‌های ناعادلانه چه تفاوتی دارد؟
۱۳. آیا نابودکردن یک فرهنگ و نیز کشتار مردمی که حاملان آن فرهنگ هستند، خطاست؟
۱۴. آیا بین سقط جنین با بیچه‌کشی هیچ‌گونه تفاوت اخلاقی وجود دارد؟
۱۵. آیا ما می‌توانیم به استقلال بیمار مغزی احترام بگذاریم؟
۱۶. آیا حیوانات دارای حقوق‌اند؟

۱۷. آیا این واقعیت که انسانها در یک محیط زندگی می‌کنند، مستلزم محدودیت‌هایی اخلاقی در رفتار ما با آن محیط می‌شود؟
۱۸. آیا بازار به تمام سؤالات مربوط به اخلاق تجارت پاسخ می‌دهد؟
۱۹. آیا فیلم‌های مستهجن (pornography) باید ممنوع باشد؟

### منابع و مآخذ

بیشتر کتابهای زیر مجموعه مقالات یک یا چند مؤلف هستند. اما از این میان Velasquez and Singer(ed.) ۱۹۸۶ ، Rachels(ed.) ۱۹۷۶ و Rostankowski(eds) ۱۹۸۵ متخبنانی هستند که تمام یا بخشی از آنها را مقاله‌های مهم و تأثیرگذاری تشکیل می‌دهد که در بیست، سی سال اخیر در زمینه‌های مختلف اخلاق کاربردی منتشر شده‌اند.

### کتابهای عمومی در زمینه اخلاق کاربردی

- New Directions in Applied Ethics: the Challenge of* (DeMarco, J. P. and Fox, R. M. (eds) London: Routledge and Kegan Paul, ۱۹۸۶.
- Evans, J. D. G. (ed.). *Moral Philosophy and Contemporary Problems* . Cambridge: Cambridge University Press, ۱۹۸۷
- Griffiths, A.P.(ed). *Philosophy and practice* Cambridge: Cambridge University Press, ۱۹۸۵
- Hare, R. M. *Moral Thinking* . Oxford: Clarendon Press, ۱۹۸۱.

- . *Essays in Ethical Theory* . Oxford: Clarendon Press, 1989.
- Kenny, A. *The Ivory Tower: Essays in Philosophy and Public Policy*. Oxford: Blackwell, 1985.
- Louden, R. B. *Morality and Moral Theory* . Oxford: Press, 1992. Oxford University
- Nagel, T. *Moral Questions*. Cambridge: University Press, 1979.
- Nuttall, J. *Moral Questions* . Cambridge. Polity Press, 1993.
- Pascal, B. *Provincial Letters* (translated by A. J. Worth: Penguin, 1967 [1656]. Krailsheimer). Harmondsworth: Penguin, 1967 [1656].
- Philips, D. Z. *Interventions in Ethics* . London: Macmillan, 1992.
- Rachels, J. (ed). *Moral Problems* . New York: Harper and Row, 1979.
- Singer, P. *Practical Ethics* . Cambridge: Oxford University Press 1979.
- (ed.). *Applied Ethics* . Oxford: Oxford University Press 1986.
- (ed.). *A Companion to Ethics* . Oxford: Blackwell, 1991.
- Spaemann, R. *Basic Moral Concepts* . (translated by T. J. Routledge, 1989 [1982]. Armstrong). London:
- Velasquez, M. and Rostankowski, C. (eds). *Ethics: Theory and practice* . Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall, 1985.
- Warnock, M. *The Uses of Philosophy* . Oxford: Blackwell, 1992.
- Williams, B. *Moral Luck* . Cambridge: Cambridge University press, 1981.

Winkler, E. and Coombs, J. (eds). *Applied Ethics: A Reader*  
۱۹۹۳. . Oxford: Blackwell,  
حقوق حیوانات

Berkeley, CA: . *The Case for Animal Rights* .Regan, T  
Press, ۱۹۸۳. University of California  
Frey, R. *Rights, Killing and Suffering* . Oxford: Blackwell,  
۱۹۸۳.

#### اخلاق تجارت

*Ethical Theory and Business* .Beauchamp, T. and Bowie, N  
NJ Prentice-Hall, ۱۹۷۹. .Englewood Cliffs .  
Velasquez, M. *Business Ethics* . Englewood Cliffs, NJ  
Prentice-Hall, ۱۹۸۲.

#### اخلاق محیط زیست

nd ۲) *The Ethics of Environmental Concern* .Attfield R  
University of Georgia Press, ۱۹۹۱. :edn Athens, GA  
Rolston III, H. *Environmental Ethics: Duties to and Values*  
Philadelphia: Temple University Press, *in the Natural World*.  
۱۹۸۸.

#### اخلاق مربوط به جنیست

*Psychological Theory and* :Gilligan, C. In a Different Voice  
. Cambridge MA: Harvard *Development Women's*  
University Press, ۱۹۸۲.

Jaggar, A. *Feminist Politics and Human Nature*. Totowa, Littlefield, ۱۹۹۳. and NJ Rowman  
Harris, J. The Value of Life: *An Introduction to Medical Ethics*. London Routledge and Kegan Paul, ۱۹۸۵.  
Sommerville, A. et al. *Medical Ethics Today*. London: Association, ۱۹۹۳. British Medical  
مجازات

. *Punishment: The Supposed Justifications* .Honderich, T  
Penguin, ۱۹۸۴. :Harmondsworth  
Primoratz, I. *Justifying Legal Punishment* . Atlantic Humanities Press, ۱۹۸۹. Highlands NJ:  
Scruton, R. *Sexual Desire* . London: Methuen, ۱۹۸۰.  
Soble, A. (ed). *Philosophy of Sex* . Totowa, NJ Rowman and Littlefield, ۱۹۸۹.  
جنگ

. *Pacifism and the Just War* .Teichman, J  
Oxford:Blackwell, ۱۹۸۶.  
Walzer, M. *Just and Unjust Wars* . Hamondsworth: Penguin, ۱۹۷۷.  
Glover, J. *Causing Death and Saving Lives*. Hamondsworth penguin ۱۹۸۷.